



نام درس: دنا و دانش زبانی

نام دبیر: غزاله صادق زاده

مبحث: حروف

پایه: هفتم-هشتم

مقطع: متوسطه ۱





معنا و مفهوم حرف

حرف ها واژه ها یا گروه هایی هستند که معنی مستقلی ندارند و فقط برای پیوند دادن گروه ها یا کلمه ها یا جمله ها به یک دیگر به کار می روند. حروف به سه دسته تقسیم می شوند:

۱- حروف ربط،

۲- حروف اضافه

۳- حروف نشانه





حروف ربط

حرف ربط کلمه ای است که دو کلمه یا دو عبارت دو جمله ی هم ارزش را به هم پیوند می دهد:

کاغذ **و** قلم را از روی میز برداشتم. **و** در این جمله نقش کاغذ و قلم را یکسان کرده است.

کاغذ را از روی میز برداشتم **و** شروع به نوشتن کردم. **و** این جا دو جمله مستقل را به هم پیوند داده.

حروف ربط می توانند ساده یا مرکب باشند:

اگر، اما، پس، تا، باری، چون، چه، خواه، زیرا، که، لیکن، نه، نیز، و، ولی، هم، یا، آن جا که، آن گاه که، از آن جا که، از

این روی، از بس که، از بهر آن که، اکنون که، اگرچه، چنان چه، با این حال، با وجود این، به شرط آن که، بلکه،

بنابراین، به هر حال، با آن که، چنان که، چون که، در حالی که، در نتیجه، زیرا که، مگر اینکه، وقتی که، وگرنه،

هرچند، هر گاه که، همان طور که، همین که، همان که ...





حروف ربط

باری پس از آن همه تلاش، چیزی نصیب ما نشد. (باری برای مختصر کردن سخن و هم قید است و هم حرف ربط)
روز های سختی در پیش داریم، پس باید غذا ذخیره کنیم.

تا همه ی مسأله ها را حل نکرد، نخوايید. (تا وقتی که)
گوش کن تا موفق شوی. (بیان نتیجه)

تا حقوقم را بدهند قرض شما را می دهم. (همین که، به محض این که)
تا نیایی، نمی روم (شرط)

چون شما بیايید من هم می آید (هرگاه، اگر)
چون دهان باز کند می فهمم چه می خواهد بگوید (وقتی که)

ای فرزند! هنر آموز، چه بی هنر همه جا خوار است. (چه تعلیل - زیرا که)

چه حرف بزنی چه ساکت باشی، محکوم خواهی شد.

زندگانی خواه تیره، خواه روشن هست زیبا.





جلسه را تعلیل کردند زیرا اکثریت نیامده بودند.

دختری که دیدم خیلی زیبا بود. هر روز به مدرسه می روم که درس بخوانم.

زنی که می آید، مادر من است.

تو دانش آموز باهوشی هستی ولیکن درس نمی خوانی.

پایتخت ایران تهران است نه شیراز. نه شما آمدید نه بقیه ی بچه ها.

همه می آیند تو نیز بیا (به معنی هم) ناراحت شد و خودش هم نفهمید چرا.

سارا یا مینا یکی بیاید.

یا بنشین یا برو.



حروف اضافه



حروف اضافه کلماتی هستند که معمولاً کلمات یا گروه پس از خود را به متمم تبدیل می کنند.

با اتوبوس از خانه به مدرسه رفتم.

حروف اضافه گاهی اسم یا صفت یا قید مرکب نیز می سازند: از خدا بی خبر، جان به لب، بی ادب و...

نکته: حرف اضافه همیشه کلمه را متمم فعل قرار نمی دهد.

هوایی سردتر از هوای دیروز مرد شجاع تر از همه

یکی از دوستان من مرد همیشه در سفر کاسه ی داغ تر از آش

حروف اضافه نیز می توانند ساده یا مرکب باشند:

از، آلا، الی، اندر، با، بدون، بر، برای، به، بهر، بی، تا، جز، چون، در، غیر، مانند، مثل، مگر، واسه ی، به خاطر،

از برای، غیر از، به غیر از، تا به حال، در خصوص





در زبان محاوره گاهی حرف اضافه را حذف می کنیم: پدرم خانه است. (در خانه) رفتم مدرسه (به مدرسه)

از همدان حرکت کردیم و به مشهد رسیدیم. از تهران تا قم با اتوبوس رفتیم.

پشت بام را از کاهگل پوشانده بود. (با کاهگل) از هوای دودآلود سرفه کردم. (به علت)

من از کسی نمی ترسم. گلستان از سعدی است. (اثر، نوشته)

اورست بلندتر از دیگر قله هاست. (صفت برتر) شالی از پروانه ها بر روی دوش (بیان جنس)

همه آمدند آلّا احمد. کتاب های روی میز را با کتاب هایی که در قفسه بود یک جا ریختم. (با همراهی)

با قاشق غذا بخورید. (به کمک) حسن با برادرش این خانه را ساخت. (با کمک)

با آن همه کوشش کاری از پیش نبرد (با وجود)

کلاه بر سر گذاشت و از خانه بیرون رفت. من برای تو خیلی زحمت کشیدم.

به علی شناختم من به خدا قسم خدا را (با کمک - سوگند)





نکته: به + آن، این، او، ایشان، : بدان، بدین، بدو، بدیشان

علم **از بهر** دین پروردن است.

برو **از بهر** او چشم دگر جوی (به خاطر - برای)

بی کتاب و دفتر به مدرسه نیاید. (بدون)

او **بی** آن که بلد باشد شروع به نواختن کرد.

نکته: تا اگر نهایت و انتها را نشان بدهد حرف اضافه است:

از خانه **تا** مدرسه

از صبح **تا** شب

من **جز** تو کسی را برای دوستی نمی خواهم.

روی او **چون** گل زیباست. (معنای تشبیهی)

تکه های برف **مانند** پنبه سفید و نرم بودند.

نکته: که و تا در ساختار صفت برتر باید حرف اضافه حساب شوند:

میوه در تهران گران تر است **تا** شیراز

مرگ با شرف بهتر **که** زندگی با ذلت

نکته: در خصوص فعل ها نیز هر فعل حرف اضافه ی مربوط به خودش را دارد:

جنگیدن با، پرسیدن از، پرداختن به، جلوگیری کردن از، دعا کردن به، کمک کردن به و ...



حروف نشانه



حرف های نشانه برای تعیین مقام کلمه در جمله می آیند و نقش آن را مشخص می کنند: **الف** ندا، **ای**، **یا**، **را**، **کسره اضافه**

خدایا - پروردگارا - الها **ای** مادر عزیز که جانم فدای تو **یارب** - **یا** علی - **یا** خدا

را همان طور که پیش تر خواندیم می تواند نشانه ی مفعول، متمم، مضاف الیه و یا مالکیت باشد.

کتاب **را** از روی میز برداشت. (نشانه مفعول) بدان جای سیمرغ **را** لانه بود. (نشانه مضاف الیه)

ز هر بد تویی بندگان **را** پناه (نشانه مضاف الیه) خرد **را** نیست تاب نور آن روی (نشانه متمم)

خدایا جهان پادشاهی تو **را** است (نشانه مالکیت) به نام آن که جان **را** فکرت آموخت (نشانه متمم)

کسره ی اضافه: نشانه ی اتصال موصوف به صفت یا مضاف به مضاف الیه است: گلِ خوش بو معلمِ دلسوز





مجمع آموزشی هوشمند خدیجه کبری (س)

www.kksec.org

<https://instagram.com/khadijekobra1368>